

زیر آسمان فیروزهای

مکری: تکنیک اجرای «هجوم» جالب توجه است

● **بهناز شیربانی:** شصت‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم برلین را می‌توان از دوره‌هایی دانست که سینمای ایران حضور پررنگ و درخشانی در آن دارد. چندروزی است که برخی از فیلم‌سازان سینمای ایران همراه گروهشان در این جشنواره حضور دارند و تاکنون فیلم‌هایشان برای مخاطب غیرایرانی جشنواره به نمایش گذاشته شده است. تازه‌ترین ساخته شهرام مکری، «هجوم»، یکی از فیلم‌های بخش پانورامااست که تاکنون سه نمایش داشته و با استقبال خوبی همراه شده است. شهرام مکری به‌همراه محمد اطباطی، پخش‌کننده بین‌المللی فیلم، نسیم احمدپور، نویسنده فیلم‌نامه، علیرضا برازنده، مدیر فیلم‌برداری، میلاد موحدی، آهنگ‌ساز، عبد آبت و الاّله پخش، بازیگران فیلم «هجوم»، در جشنواره برلین حضور دارند. شهرام مکری درباره حضور در این جشنواره و نمایش‌های این فیلم سینمایی به «شرق» گفت: «تاکنون سه نمایش از فیلم «هجوم» در جشنواره فیلم برلین انجام شده است که خوشبختانه هر سه این نمایش‌ها با استقبال تماشاچیان همراه بود. درواقع در هر سه این نمایش‌ها سال‌ها پر شدند». او ادامه داد: «تنها یک نمایش باقی مانده است که قرار است روز پنجشنبه انجام شود که متأسفانه فکر می‌کنم برای نمایش آخر در جشنواره حضور ندارم. اما تا به اینجا و بعد از هر نوبت نمایش، جلسه‌گفت‌وگو با تماشاچیان را داشتیم. در این جلسات بیشتر در مورد شکل اجرای فیلم زیاد صحبت شد و اینکه فیلم به نسبت چیزی که در سینمای ایران می‌بیند متفاوت است و البته درباره شباهت‌های این فیلم با موضوعات زانری و ایده‌های مختلفی که در زانرها انجام می‌شود صحبت شد». مکری در بخش دیگری از صحبت‌هایش افزود: «نسیم احمدپور، عبد آبت، الاّله پخش، علیرضا برازنده و میلاد موحدی هم در جلسات حضور داشتند و با آنها درباره ایده‌های مختلف تکنیکی و اجرایی فیلم صحبت شد. استقبال از فیلم بسیار خوب بود، به‌طوری‌که حتی گفت‌وگو با تماشاچیان بعد از نمایش فیلم تا مدتی در سالن اصلی اتفاق افتاد و بیرون سالن هم ادامه پیدا کرد و این برای من نشانه خوبی بود. علاوه بر اینکه برگزارکنندگان بخش پانوراما هم از نمایش‌ها و استقبال مخاطبان از فیلم راضی هستند و امیدوارم نمایش آخر فیلم هم مثل سه نمایش قبل خوب باشد». کارگردان فیلم «ماهی و گربه» در پاسخ به این پرسش که درباره شیوه فیلم‌سازی شما چه



پرسش‌هایی مطرح شده است؟ گفت: «بیشتر درباره ایده فیلم و در مورد ایده اجرای پلان – سکانس سؤال پرسیده می‌شود، چراکه فیلم «ویکتوریا» که آلمان فیلم را تولید کرده است، در جشنواره فیلم برلین حضور دارد و برای نخستین‌بار، نمایش داده شد و «هجوم» را با فیلم «ویکتوریا» مقایسه می‌کردند. اجرائی که در فیلم اتفاق افتاده بود. البته اجرائی لایبرتی که در فیلم وجود دارد و خم زمان و تغییر پرسپکتیو برای آنها نکته جالبی بود». او ادامه داد: «در جلسات پرسش‌وپاسخ در مورد موضوعات فنی زیاد سؤال می‌شد و نکته جالبی برای من بود. در مورد فیلم‌های ایرانی بیشتر در مورد مضمون سؤال پرسیده می‌شود و این نکته برای بسیاری جالب است که یک فیلم ایرانی می‌بیند که تکنیک اجرای متفاوتی دارد و به این دلیل بیشتر از فیلم‌بردار در مورد شیوه اجرا سؤال پرسیده می‌شود». مکری در پایان افزود: «مدیریت بخش پانوراما برلین بعد از ۱۵ سال، از امسال مدیریتش تغییر کرده است. به نظر می‌رسد با تغییر مدیریت، رویکرد این بخش هم تغییر کرده است. این را از گفت‌وگوهایشان می‌توان متوجه شد، به این صورت که شاید کمی در این بخش تمرکز و توجه موضوعی در مورد فیلم‌ها به سمت توجه و تمرکز زبان سینما تغییر کرده و شاید به این دلیل است که فیلم «هجوم» برای آنها جالب بوده و در این دوره در بخش پانوراما فیلم به نمایش درآمده است».

حضور «پایته‌ها»ی تئاتر پر پرده سینما

● **گروه هنر:** فیلم سینمایی «برداشت دوم از قضیه اول» اثری از گروه تئاتر پایته‌ها، روز روز ۳۰ بهمن جاری در گروه سینمایی هنر و تجربه اکران می‌شود. «پایته‌ها» نام یک گروه فعال و مطرح تئاتری به سرپرستی حمید پورآذری است. این گروه که یکی از پرجمعیت‌ترین گروه‌های تئاتری ایران است، با اجرای تئاتر در محیط‌های نامتعارف شناخته می‌شود. فیلم «برداشت دوم از قضیه اول» اولین حضور اعضای این گروه در سینماست. پویان باقرزاده، کارگردان ۳۰ساله فیلم «برداشت دوم از قضیه اول»، از اعضای این گروه تئاتری است که به‌عنوان مشاور، حمید پورآذری را در چندین پروژه همراهی کرده و علاوه‌بر اجرای تئاتر، چند فیلم کوتاه را نیز در کارنامه خود دارد. همچنین تعداد زیادی از عوامل این فیلم نیز عضو گروه پایته‌ها هستند.

گفت‌وگوی امیر امجد با گلاب آدینه (به بهانه نقش آفرینی او در نقش سیاه‌نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه»)

زیر پوست سیاه آدینه

گفت‌وگوی امیر امجد با گلاب آدینه (به بهانه نقش آفرینی او در نقش سیاه‌نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه»)

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

مکری: تکنیک اجرای «هجوم» جالب توجه است

● **برای کپ‌وگفت در مورد نقش آفرینی شما در نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه»، به‌مانم اشاره بعد از سال‌ها تجربه‌اندوزی؛ از حضور در «گروه تئاتر پیاده» گرفته تا بعدتر «گروه تئاتر مروراید» - که خود مؤسس و گرداننده آن بودید - و ایفای نقش در نمایش‌های مهمی در سال‌های اخیر با طیف متنوعی از کارگردانان، همچنین تجارب تصویری فراوان و درخشان که طیف متنوعی از نقش‌ها را دربر می‌گیرد، این روزها مشغول ایفای نقشی بسیار سخت و جذاب هستید که موفق شده مخاطبان بسیاری را به سالن شهروزاد بکشاند. ابتدا بنفرمایید اصلا چه ویژگی خاصی در متن «شیرهای خان‌بابا سلطنه» شما را وسوسه کرد که این نقش را بپذیرید؟**

تئاتر موردعلاقه‌ام چیزی است که در آن همه جزئیات ساختمان اثر جنبه نمایشی داشته باشد؛ از تصویرسازی، موسیقی، گفتار و کلام گرفته تا حرکت و... به عبارت دیگر نمایش به معنی واقعی کلمه «نمایش» باشد و این متن این خصوصیت را داشت. علاوه‌براینها، آقای افشین هاشمی تأکید داشتند که قرار است شکل اجرایی این نمایش به صورت «موزیکال» باشد و من همیشه شیفته کارهای موزیکال بوده‌ام و همواره حسرت این را داشتم که در نمایشی با این شکل‌وشمایل اجرایی حضور پیدا کنم. به دلیل داشتن تمامی این خصوصیات با رغبت پذیرفتم در نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه» حضور داشته باشم و مهم‌تر اینکه نقش سیاه به من پیشنهاد شد و باید اعتراف کنم قرارگرفتم در این قالب ابتدا برایم چالش‌برانگیز تصور بود و همین جذباتی‌ها را برایم چندین‌برابر کرد.

● **البته تاجایی که خاطرم هست، شما نمایش‌نامه‌ای در فضای ایرانی از آقای بیضایی کارگردانی کرده‌اید (سلطان مار) که اتفاقاً آنجا هم یک شخصیت سیاه وجود داشت که با کارگردانی شما و اجرای خانم فقیهه سلطانی (از شاگردان شما) در ذهن ما ماندگار شد. این یعنی شما تجربه کارگردانی نمایش ایرانی را دارید، هرچند که آن تجربه تفاوت‌های آشکاری با این متن دارد. به‌طورکلی اما به‌عنوان بازیگر زمانی که با متن روبه‌رو شدید در هشتان چه چالش‌ها و نگرانی‌هایی در جان‌دادن به نقش این سیاه داشتید؟ این سؤال را از این جهت مطرح می‌کنم که در سینما شما را با اجرای نقش‌هایی غالباً واقع‌گرا می‌شناسیم، درحالی‌که در این نمایش آشکارا با دنیای نمایش سنتی با ویژگی‌های خاص خود مواجه هستیم.**

نخستین چیزی که بعد از خواندن نمایش‌نامه در ذهنم نقش بست، این بود که گرفتاری زیادی با مدعیان این حوزه خواهم داشت.

● **مدعیان این حوزه یعنی کسانی که سیاه سنتی بازی کرده‌اند؟**

بله. بیشترین نگرانی‌ام این بود که پذیرش من به‌عنوان یک سیاه آیا بلافاصله و به‌سادگی اتفاق خواهد افتاد؟ و اینکه مدعیان و مجربان چنین نقش‌هایی چه خواهند گفت؟! به عبارت دیگر اولین نگرانی من از قضاوت مردم بود.

● **طبعاً این برای هر بازیگری نگرانی اول است ... آفت زندگی ما همین ترس از قضاوت دیگران است. اگر این نگرانی را کنار بگذاریم، می‌توانیم کارهای بزرگ‌تری انجام دهیم و قدم‌های بعدی را راحت‌تر برمی‌داریم، اما بعد از این تردیدها به خود مراجعه کردیم که اساساً همیشه در کارهایی که فکر می‌کنم درست است و ضرری به دیگری نمی‌رساند، به قضاوت‌های مردم توجهی نکرده‌ام. بعد از آن نظر کارگردان برایم مهم و در اولویت بود و البته - مثل همیشه - نظر آقای مهدی هاشمی درباره حضورم در این نقش. بنابراین از کارگردان پرسیدم که به نظرش آیا من می‌توانم از پسِ این نقش برایم و ایشان صد‌صد موافق بود.**

● **همان‌طور که اشاره کردم، شما یک سابقه بازیگری در چارچوبی که تئاتر مدرن غربی نامیده می‌شود، دارید که در آن بازیگر شخصیت را پرورش می‌دهد، به احوالات شخصیت فکر می‌کند. آن را در درون خود رشد می‌دهد و... درحالی‌که در نمایش‌های (نوعی نمایش کهن قبل از تئاتر مدرن) ما اصولا با شخصیت نمایشی (به مفهوم مدرن آن) سروکار نداریم و نمود احساسات چندان در نقش‌ها و الگوهایی مثل سیاه، حاجی، زن‌پوش و... در نمایش روحوضی اهمیت ندارد و در بازی این نقش‌ها بیشتر به نمود بیرونی نقش؛ یعنی نوع صداسازی‌ها، حرکات بدنی و درکل قرارگرفتن در چارچوب آن فضا (تقلید) اهمیت داده می‌شود. این نگرانی را نداشتید که چطور این تقلیق (نزدیک‌شدن به شخصیت و بازی درونی نقش، به‌همراه بازآفرینی جلوه‌های بیرونی آشنایی سیاه) را انجام بدهید؟ چراکه متنی را کار می‌کردید که نمایش سنتی مدرن شده است و احساسات و ساختمان دارد. در لحظاتی شاهد بروز احساسات سیاه هستیم که با تعریف بازیگری مدرن هم‌خوانی بیشتری دارد. نگرانی‌ای بابت ایفای چنین نقشی نداشتید؟**

هیچ نگرانی‌ای از این بابت نداشتم. به این دلیل که اینها جزء آموزش و آموخته‌های من بوده و یاد گرفتم و یاد دادم که روی تیپ‌های مختلف بدیهه‌سازی کنیم. یکی از آموزش‌های بازیگری این است که حالات مختلف اطرافیان‌مان را تقلید کنیم؛ چیهایی کاملاً تیپیکال. فکر می‌کنم هر بازیگری برای ارائه تیپ‌های مختلف الگوهای زیادی در چنته دارد که در مواقع لزوم می‌تواند از آنها استفاده کند. بنابراین من چیهایی در چنته داشتم که از آنها استفاده کردم و با کارگردان به توافق و تفاهمی رسیدم که نقش به این شکل

گفت‌وگوی امیر امجد با گلاب آدینه (به بهانه نقش آفرینی او در نقش سیاه‌نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه»)

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

مکری: تکنیک اجرای «هجوم» جالب توجه است

● **بهناز شیربانی:** شصت‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم برلین را می‌توان از دوره‌هایی دانست که سینمای ایران حضور پررنگ و درخشانی در آن دارد. چندروزی است که برخی از فیلم‌سازان سینمای ایران همراه گروهشان در این جشنواره حضور دارند و تاکنون فیلم‌هایشان برای مخاطب غیرایرانی جشنواره به نمایش گذاشته شده است. تازه‌ترین ساخته شهرام مکری، «هجوم»، یکی از فیلم‌های بخش پانورامااست که تاکنون سه نمایش داشته و با استقبال خوبی همراه شده است. شهرام مکری به‌همراه محمد اطباطی، پخش‌کننده بین‌المللی فیلم، نسیم احمدپور، نویسنده فیلم‌نامه، علیرضا برازنده، مدیر فیلم‌برداری، میلاد موحدی، آهنگ‌ساز، عبد آبت و الاّله پخش، بازیگران فیلم «هجوم»، در جشنواره برلین حضور دارند. شهرام مکری درباره حضور در این جشنواره و نمایش‌های این فیلم سینمایی به «شرق» گفت: «تاکنون سه نمایش از فیلم «هجوم» در جشنواره فیلم برلین انجام شده است که خوشبختانه هر سه این نمایش‌ها با استقبال تماشاچیان همراه بود. درواقع در هر سه این نمایش‌ها سال‌ها پر شدند». او ادامه داد: «تنها یک نمایش باقی مانده است که قرار است روز پنجشنبه انجام شود که متأسفانه فکر می‌کنم برای نمایش آخر در جشنواره حضور ندارم. اما تا به اینجا و بعد از هر نوبت نمایش، جلسه‌گفت‌وگو با تماشاچیان را داشتیم. در این جلسات بیشتر در مورد شکل اجرای فیلم زیاد صحبت شد و اینکه فیلم به نسبت چیزی که در سینمای ایران می‌بیند متفاوت است و البته درباره شباهت‌های این فیلم با موضوعات زانری و ایده‌های مختلفی که در زانرها انجام می‌شود صحبت شد». مکری در بخش دیگری از صحبت‌هایش افزود: «نسیم احمدپور، عبد آبت، الاّله پخش، علیرضا برازنده و میلاد موحدی هم در جلسات حضور داشتند و با آنها درباره ایده‌های مختلف تکنیکی و اجرایی فیلم صحبت شد. استقبال از فیلم بسیار خوب بود، به‌طوری‌که حتی گفت‌وگو با تماشاچیان بعد از نمایش فیلم تا مدتی در سالن اصلی اتفاق افتاد و بیرون سالن هم ادامه پیدا کرد و این برای من نشانه خوبی بود. علاوه بر اینکه برگزارکنندگان بخش پانوراما هم از نمایش‌ها و استقبال مخاطبان از فیلم راضی هستند و امیدوارم نمایش آخر فیلم هم مثل سه نمایش قبل خوب باشد». کارگردان فیلم «ماهی و گربه» در پاسخ به این پرسش که درباره شیوه فیلم‌سازی شما چه

ارائه شود. پرورش چنین نقشی به نظر آسان می‌رسد، درعین‌حال کار مشکلی است؛ بنابراین نیاز به تمرین بسیار داشت که قابل باور شود. ● **شما ضمناً از تماشاگران پیگیر تئاتر هستید و قطعاً در همه این سال‌ها شخصیت‌های سیاه را که بر صحنه از سوسی بازیگران مختلف جان گرفته‌اند، دنبال کرده‌اید. منظرم بیشتر نمایش‌هایی است که بر مبنای روحوضی نوشته شده ولی در ساختمان درام غربی قرار گرفته. همچون چند اثر از بهرام بیضایی از جمله «سلطان مار»، با نمایش «پستوخانه» از حمید امجد یا «مجلس نامه» از محمد رحمانیان و... چقدر اینها را دنبال کرده‌اید و چه ویژگی‌های مشترکی بین این بازی‌ها با نقش‌های شما در این نمایش ایفا می‌کنید، می‌بینید؟**

تفاوت‌هایی با سایر نقش‌های سیاه دارد. چرا که بسیاری از نقش‌های سیاه تنها یک بعد مشخص دارد، آدمی است که با بذله‌گویی‌هایش مخالف حاکم/ارباب است و سیر تحولی شخصیت را در او نمی‌بینیم، اما اگر اشتباه نکنم به خاطر نمی‌آورم سیاهی داشته باشیم که جایی در میانه نمایش از موضع خودش تغییر کند و به شخصیتی منفی و رشوه‌گیر تبدیل شود و دوباره در سیر نمایش خصوصیات انسانی در او باز جان بگیرد و به همان کارکرد اصلی خود برگردد. از نمایش‌هایی که شما نام بردید البته بسیاری را دیده‌ام و هرکدام با وجود همه تفاوت‌ها بخشی از حافظه ما از نقش سیاه را می‌سازد و البته متأسفم که مثلاً اجرای «طرب‌نامه» تجربه جدیدتر آقای بیضایی در این شکل نمایشی را ندیده‌ام.

● **سیاهی‌ها که در این نمایش بازی کرده‌اید، غیر از نکته‌ای که فرمودید از نظر مضمونی نیز تفاوت‌هایی با دیگر سیاه‌های آشنای روحوضی دارد، اینجا ما هم یک سیاه سنتی برآمده از نمایش روحوضی را درام و هم سیاهی‌ها که متحول شده و در ادامه تجربه درام مدرن که از نمایش سنتی روحوضی نشئت گرفته است، تعریف می‌شود. سیاهی‌ها که شما بازی می‌کنید، تا چه حد سیاه سنتی بود و تا چه اندازه به چارچوب سیاه مدرن‌تر نزدیک می‌شد؟ و در بازیگری تا چه حد تغییراتی به آن پدید آمد؟**

نگاهی‌ها که من در نقش اعمال کردم، برگرفته از متن بود. این شخصیت از یک سیاه خیلی خوش جنس و مفلوک، تبدیل می‌شود به یک آدم خون‌خوار و دوباره تبدیل می‌شود به سیاهی‌که حالا به یک آگاهی رسیده و آگاهانه می‌خواهد در جریان امور مؤثر باشد. در نتیجه، یک سیر تحول دارد که از ویژگی‌های تئاتر مدرن و شخصیت نمایشی متعلق به این فضااست.

● **آن چیزی که ما از سیاه می‌شناسیم، چند خصوصیت ویژه است. اصولا در نمایش سنتی روحوضی، ما با یک طرح کلی و سادۀ داستانی در نمایش روبه‌رو هستیم و بعد این بداهه‌هاست که بین بازیگران ردوبدل می‌شوند و نمایش را شکل می‌دهند و جلو می‌برند و معمولاً سیاه آشنای نمایش‌های روحوضی، حرکات بدنی زیاد و پیچیده‌ای ندارد، اغلب یک‌جا می‌ایستد و بذله‌گویی می‌کند، لیچار می‌بافد و مژه می‌ریزد و با زبانش تماشاجی را نگه می‌دارد. برعکس شما در این نمایش اصلا یک‌جا بند نمی‌شوید و مدام در حال حرکت هستید.**

متن جای راداهه‌پردازی نداشته؛ اما با قَسَم و آیه کارگردان را راضی کردیم (و خوشحالم که راضی شدند)

این جناب سیاه در مواقعی مژه‌پیرانی و بداهه‌پردازی داشته باشد. همان‌طور که در نمایش دیدید، به دلیل

گفت‌وگوی امیر امجد با گلاب آدینه (به بهانه نقش آفرینی او در نقش سیاه‌نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه»)

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

مکری: تکنیک اجرای «هجوم» جالب توجه است

● **برای کپ‌وگفت در مورد نقش آفرینی شما در نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه»، به‌مانم اشاره بعد از سال‌ها تجربه‌اندوزی؛ از حضور در «گروه تئاتر پیاده» گرفته تا بعدتر «گروه تئاتر مروراید» - که خود مؤسس و گرداننده آن بودید - و ایفای نقش در نمایش‌های مهمی در سال‌های اخیر با طیف متنوعی از کارگردانان، همچنین تجارب تصویری فراوان و درخشان که طیف متنوعی از نقش‌ها را دربر می‌گیرد، این روزها مشغول ایفای نقشی بسیار سخت و جذاب هستید که موفق شده مخاطبان بسیاری را به سالن شهروزاد بکشاند. ابتدا بنفرمایید اصلا چه ویژگی خاصی در متن «شیرهای خان‌بابا سلطنه» شما را وسوسه کرد که این نقش را بپذیرید؟**

تئاتر موردعلاقه‌ام چیزی است که در آن همه جزئیات ساختمان اثر جنبه نمایشی داشته باشد؛ از تصویرسازی، موسیقی، گفتار و کلام گرفته تا حرکت و... به عبارت دیگر نمایش به معنی واقعی کلمه «نمایش» باشد و این متن این خصوصیت را داشت. علاوه‌براینها، آقای افشین هاشمی تأکید داشتند که قرار است شکل اجرایی این نمایش به صورت «موزیکال» باشد و من همیشه شیفته کارهای موزیکال بوده‌ام و همواره حسرت این را داشتم که در نمایشی با این شکل‌وشمایل اجرایی حضور پیدا کنم. به دلیل داشتن تمامی این خصوصیات با رغبت پذیرفتم در نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه» حضور داشته باشم و مهم‌تر اینکه نقش سیاه آشنای روحوضی، اما با خصوصیات متفاوت را به رخ می‌کشد.

● **گروه هنر: «روسی‌آبی»، «زیر پوست شهر» و «همان مامان» پیش و پیش از همه برایم یادآور یک نام است: «گلاب آدینه»؛ بازیگری که با جان‌بخشیدن استادانه و پر از ریزه‌کاری و وسواس به نقش زنانی سخت‌آشنا بخش مهمی از حافظه بصری ما برخی از درخشان‌ترین شخصیت‌های سینمای ایران را در بیش از چهار دهه فعالیتش شکل داده است. باین‌همه اما خاستگاه او نیز مانند بسیاریانی دیگر صحنه تئاتر است و علاقه‌مندان این عرصه به‌خوبی نقش آفرینی‌های او را در برخی از نمایش‌های موفق از سال‌های دور (گروه‌های تئاتر پیاده و مروراید) تاکنون در خاطر دارند. باین‌همه اما بهانه این گفت‌وگو، درخشش دیگربراه این روزهای گلاب آدینه بر صحنه «تئاتر شهروزاد» و در نقشی‌نو در کارنامه بازیگری اوست: «سیاه» نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه» که بار دیگر تسلط بی‌چندوچون او در بازآفرینی سیاه آشنای روحوضی، اما با خصوصیات متفاوت را به رخ می‌کشد.**

می‌خورد. اگر سیاه بداهه‌سازی و مژه‌پیرانی نکند، انگار چیزی کم است. همان‌طور که ما رنگ سیاه را عاریه گرفته‌ایم؛ چون نمایش ما سیاه‌بازی سنتی تمام‌عیار نیست. یا همچنان که نوع پوشش آشنای سیاه را عاریه گرفته‌ایم. این بذله‌گویی‌ها هر ما باید وام می‌گرفتیم ورنه کار موفق نمی‌شد. ● **ا در یک صحنه از نمایش، از روحوضی فاصله می‌گیریم و به فرایون حال‌وهوای متن، اجرا به تعزیه نزدیک می‌شود و بازی در این صحنه تکنیک کاملاً متفاوتی می‌طلبد. این موضوع چطور اتفاق افتاد؟**

همین نکته‌های نقش برایم جذاب بود. برای کارگردان همه چیز از ابتدا مشخص بود و یکباره در میانه‌های متن همه چیز تغییر می‌کند؛ اما مخاطب همچنان ارتباط تکنیکاتی با آنچه بر صحنه می‌گذرد، دارد و این بخش برایش خسته‌کننده و تافته‌جذاب‌افتاهی از کلیت نمایش نیست. به نظر برجسته‌ترین بخش نمایش، همین بخش اجرا در قالب تعزیه است. این صحنه هم به دلیل مضمون و هم فرم اجرایی خاص خود، بسیار مؤثر و کوبنده است و بازی در این بخش تلاشی مضاعفی می‌خواست.

● **شاید یکی از ویژگی‌های این بخش، این است که این تغییر از شکل و شمایل روحوضی به تعزیه و شبیه‌خوانی، ناگهانی نیست و تدریجی و در چارچوب کلیت فرم اجرایی نمایش شکل می‌گیرد. این ویژگی‌در بازی شما که شکل خاصی از شمرخوان شبیه‌خوانی را در این صحنه بازی می‌کنید، نمود دارد و خارج‌شدن از کالبد آشنای سیاه روحوضی و نزدیک‌شدن به شمرخوان که آشتلم می‌خواند و حتی در حرکات بدنی هم نشانه‌ها و قراردادهای اجرایی شمرخوان تعزیه را بازآفرینی می‌کند، به نرمی و تدریجی صورت می‌گیرد و تماشاگر را با خود همراه می‌کند.**

به نظر من این صحنه‌ها آن‌قدر خوب در هم تنیده می‌شود که یک‌بارگی متن به خوبی حفظ می‌شود و از آنجایی که بازیگر باید در خدمت متن باشد، این تغییر شکل اجرایی در بازی من هم باید به‌اندازه و تدریجی می‌بود. از طرفی باید شانس بیابری و کارگردان آگاهی که اندازه درست بازی را می‌داند، بالای سر اثر باشد که خوشبختانه ما این بحث را داشتیم و درهم‌تنیده‌شدن این صحنه با باقی فضای متن، باعث شد هیچ بخشی از کار در اجرا نیز غلّوامیز و بیرون از چارچوب نمایش نباشد. ● **یک ویژگی دیگر در کل اجرا وجود دارد که در بازی‌ها به‌ویژه در بازی شما مشهود است و آن، ریتم و ضربهانگ بسیار سریع کار است؛ ریتم متناسب با فضای کلی نمایش و تک‌تک صحنه‌ها. خاطرم هست اجرایی از شما را در نمایش «سندرها» دیدم که کاملاً در نقطه مقابل این اجرا قرار می‌گیرد؛ با ریتمی کند متناسب با چیزی که کارگردان طراحی کرده بود؛ اما به‌عنوان بازیگر در این نمایش با شناسختی‌که از کارگردانی افشین هاشمی دارم و تأکیدش بر فشرده‌کردن احساسات و ریتم سریع اجرایی، با توجه به فرم بازی و بروز و تغییر احساسات درونی شخصیت سیاه در لحظاتی از نمایش، حفظ این ریتم در کل اجرا چه مخاطراتی دارد؟**

بله این موضوع مهمی است که در همه چیز و در همه لحظه‌ها باید رعایت شود، حتی در تنفس روی صحنه، در هر حرکتی و مهم‌تر از همه در دیالوگ‌گفتن‌ها. این چیزی نیست که با تأکیدهای کارگردان به دست بیاید، ریتم باید در وجود بازیگر باشد.

● **ایجاد این ریتم یک چیز است و نگه‌داشتن ریتم در این نمایش دوساعته با انبوهی بازیگر و صحنه‌های شلوغ، موضوع دیگری است.**

جایی همه چیز درست است. آّب مردمی‌آید که حسنه‌ای در حسنه‌ها با یک ریتم شروع می‌شود و با همان ریتم جلو می‌رود، درست مانند یک قطعه موسیقی؛ اما لحظه با تماشاگر درست نبود. به‌هرحال تصورات و توقعاتی از نقش سیاه وجود دارد و اگر اینها برآورده نشود، کل اجرا شکست

خوب بود. این جناب سیاه در مواقعی مژه‌پیرانی و بداهه‌پردازی داشته باشد. همان‌طور که در نمایش دیدید، به دلیل

گفت‌وگوی امیر امجد با گلاب آدینه (به بهانه نقش آفرینی او در نقش سیاه‌نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه»)

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

زیر پوست سیاه آدینه

● **گروه هنر:** جمعی از خبرنگاران و اعضای انجمن منتقدان سینمای ایران با راه‌اندازی کمپین زرشک زرین، خواستار معرفی بدترین فیلم جشنواره فجر و اعطای زرشک زرین بدترین فیلم به آن شدند و برای این منظور فیلم «امپراطور جهنم» را شایسته زرشک زرین دانستند. متن این بیانیه به شرح زیر است:

بدره باش که رهزان در راهند... کمپین زرشک زرین یکی است ولاغیر... گفتنگ نبود کبی عجولانه از آن چه هدف ما بود که نگرفت... این کارها دیگر خلاقانه نیست که زرشک را نصیب خود شما خواهد کرد که کرده است، به دستا نرسیده؟.... کمپین زرشک زرین، خود را از این رای غلط و پراشتباهه میرا می‌داند... هرچند ممکن است رای مشابه شود ولی این کمپین با فیلم کار دارد و نه بازیگر... با تفکر انحرافی و رانت‌خوار روبروست نه عوامل اجرایی و محترم سینما در ایران... تفکری که سود خود را در پیش و حین تولید آثار سخف، آثار سخیف می‌برد و در پی به فنا بردن پول مردم است از جیب بودجه کشور به نفع شخصی...

اینک پس از گذر آرام از برگزاری سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر به‌دور از شتابزدگی؛ ما جمعی از منتقدان، روزنامه‌نگاران و اهالی سینمای ایران در پی فراخوان برای احیای زرشک زرین به منظور احیای اندیشه و تفکر بیشتر در جریان تولید آثار ساخته‌شده در عرض سال، با هدف ارتقای سلیقه و عدم توهین به شعور مخاطب سینمای ایران، بدور از هرگونه تخاصم و موضع کورکورانه اعلام می‌داریم در سالیان اخیر بودجه‌های میلیاردری فراوانی از حساب ملت در جهت تولید آثار سخیف، شعاری و تبلیغاتی بدون رعایت شاخصه‌های اصیل فیلم‌نامه‌نویسی و کارگردانی در سینمای ایران به هدر رفته است و موجبات انحطاط و تزلزل جایگاه رفیع سینما را در نزد ایرانیان فراهم آورده... سینمایی که در دهه شصت پس از نفت و فرش، صادرات نسوج ملت به دنیا بود و چشمان جهانیان را به نبوغ سینماگران ما خیره ساخت، اکنون به وضعی رسیده که ساخته‌شدن اثری قابل‌تأمل حلقه مفقوده‌اش به حساب می‌آید و معجزه‌ای باید صورت بگیرد تا هر سال شاهد یک اثر متوسط و قابل‌قبول باشیم فلذا به منظور جلوگیری از ادامه این جریان خطرناک و التهاب‌آور برای سینمای ایران، این جمع از میان همه آثار حاضر در جشنواره امسال زرشک زرین بدترین



فیلم را با اخذ بیشترین آرا به فیلم «امپراطور جهنم» به سبب عدم رعایت شاخصه‌های مهم شخصیت‌پردازی، درافکنی مملو از سطحی‌نگری و کارگردانی بسیار ضعیف از حیث میزانسن و دکوپاژ و... به سازندگان این فیلم شعاری اعطا کرده و به نهادهای حامی تولید در سینمای ایران رعایت استانداردهای فیلم‌سازی در ابعاد محتوایی کارگردانی و پرداخت درست سئوژه را متذکر می‌شویم.

واقعیت این است زرشک زرین بیشتر یک فرصت است تا تهدید و در آن سال‌ها که زرشک زرین احیا و اعطا شد، بسیاری از اهالی سینما در تولید آثار بعدی خود دچار تأمل فراوان‌تری شده و با وسواس بیشتری به تأمل در فیلم‌نامه و کارگردانی فیلم‌ها پرداختند. اکنون که بیضایی، اصلانی، تقوایی‌ها بر کنجی نشسته و فرصت فیلم‌سازی ندارند و رانت‌خواران از جیب مردم آثار سخیف می‌سازند؛ احیا و اعطای زرشک زرین به بدترین فیلم سال می‌تواند قدمی مفید در جهت مقابله با علف‌های هرز سینما که روبه‌روزر در سینمای ایران بیشتر و بیشتر می‌شود، باشد. سینمای ایران را از قرارگرفتن در مسیر انحطاط نجات دهد.

به امید تولید آثاری شکوهمند و فراگیرشدن نگارش و ساخت فیلم‌هایی که تا مدت‌های زیاد پس از تماشا، مخاطب خاص و عام سینما را زرشک زرین را اعطا خواهیم نمود تا علف‌های هرز از سینمای ایران به دور بماند.

برخی از افرادی که این بیانیه به امضای آنان داده است که از میان نام ۵۵ رای‌دهنده به زرشک زرین می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: سهند آدم عارف، امیرحسین آسایش، علیرضا بهنام، پرویز جاهد، بهمن عبداللّهی، یاسین نمکچیان، امیر فرض‌اللهی، آیدا اورنگ، رسول نظراذه و... و همچنین ۲۷ نفر از نویسندگان و منتقدان مستقل سینمایی با اعطای زرشک زرین موافق هستند که به دلایلی، ازجمله سفر و گرفتاری شخصی فیلم‌ها را ندیده‌اند و از میان آنها می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: محمد آقازاده، امید بی‌ناز، سعیده خدابخش، پیمان شوقی، محسن فرجی و....